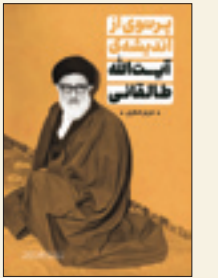


پیشخوان

«پر توی از اندیشه آیت‌الله طالقانی» در آیینه یک اثر نوانتشار

دغدغه هم‌راهی اندیشه دینی با مثنی پدرانَه

■ شاهد توحیدی



در یادداشتی کوتاه، ضمن اشاره به اهمیت کارنامه فکری و سیاسی آیت‌الله سیدمحمود طالقانی در تاریخ معاصر به معرفی فضول و بخش‌های گوناگون این پژوهش پرداخته است. در بخشی از این معرفی‌نامه چنین می‌خوانیم:

«آیت‌الله سیدمحمود طالقانی با تفکری دینی، انقلابی و مثنی پدرانَه و هدایت همه نیروهای انقلابی، دینی و ملی با گروه‌های گوناگونی که در برابر استبداد قد علم کرده بودند، همراه شد تا ساید شوم استعمار و استبداد را از سر مردم بردارد. وی در طول چند دهه مبارزه، ملی‌گرایان وفادار به آرمان‌های ملی را حمایت و بیانیته تأسیس نهضت آزادی را امضا می‌کند، فداییان اسلام را پناه می‌دهد و حتی مجاهدین خلق او را پدر خطاب می‌کنند. وی در عین حال و در همه شرایط، بر باورهای دینی و اسلام انقلابی تأکید و پیوسته به دفاع از نهضت اسلامی می‌پرداخت و از حامیان جدی و پیروان وفادار رهبری امام‌خمینی(ره) بود… کتاب پر توی از اندیشه آیت‌الله طالقانی درصدد است تا نوع پیوندی را که آیت‌الله طالقانی میان شیوه‌های دموکراتیک سیاسی زمان خود و دین اسلام برقرار می‌کند، مورد بررسی قرار دهد و پر توی از این اندیشه را آشکار سازد. اثر مشتمل بر دو بخش و هر بخش شامل چهار فصل است. بخش اول، بنیان‌های اندیشه آیت‌الله طالقانی را



◀ زنده‌یاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی

بررسی می‌کند. گام نخست این بخش، نگاهی است به زندگی علمی، اجتماعی و سیاسی آیت‌الله طالقانی. این فصل مخاطب را با شخصیت طالقانی آشنا کرده و خواننده را برای ورود به مبث اصلی کتاب که همانا مسیر در آرا و اندیشه‌های سیدمحمود طالقانی است، آماده می‌کند. فصل دوم این بخش، سیری در آثار و مکاتبات بر جای مانده از آیت‌الله طالقانی است که بخشی از اندیشه وی از این رهگنار، بر خواننده معلوم شود. فصل سوم جریان‌های فکری تأثیرگذار بر اندیشه وی در بررسی می‌کند که جریان ملی‌گرایی، جریان مشروطه‌خواهی، جریان فکری انقلابی و… از آن جمله است. فصل چهارم نیز به تدقیق در مبانی فکری و نظری آیت‌الله طالقانی اختصاص دارد. در این بین مبانی معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و… مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش دوم، سیاست و حکومت را در آرای آیت‌الله طالقانی و راسی می‌کند. این بخش نیز چهار فصل دارد؛ فصل نخست به بررسی دین و سیاست در اندیشه این متفکر بزرگ اختصاص دارد. فصل دوم مفاهیم‌بنیادین حکومت مردمسالاری دینی را در اندیشه طالقانی بررسی می‌کند، مفاهیمی چون آزادی، برابری، عدالت و… در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. سومین فصل، شورا و نظام شورایی را در اندیشه طالقانی واکاوی می‌کند و فصل چهارم، به حکومت مطلوب و ایجاد آن در نظرگاه وی اختصاص دارد. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: آیت‌الله طالقانی به دنبال تحقق حکومت دینی بود که با ویژگی‌های ملی و قومی و نژادی هر منطقه و مردمان خاص آنجا هماهنگی داشته باشد. او در مسیر برداشته‌های سیاسی آیت‌الله نائینی، مدافع حکومتی است که علما در آن بر امورات نظارت می‌کنند و به عنوان راهنمایان دینی، تطابق برنامه‌ها و سیاست‌گذاران ها را با اسلام می‌سنجند تا مبادا رژیم در ورطه خطرآفرین سکولاریسم و لائیسزم فروغلتند…».

■ **نیما احمدپور**

در آغازین روزهای سال ۱۳۵۸، آتش تجزیه‌طلبی از خطنه کردستان زبانه کشید و مردم انقلابی ایران را نتگران این بخش از ام میهن ساخت. پس ازاین رویداد، زنده‌یاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی و تنی چند از اعضای شورای انقلاب اسلامی، رهسپار منطقه گشتند تا شرایط آن را از نزدیک ببینند و با مردم و نخبگان کرد نیز گفت‌وگو بنشینند، اما تجربه طالقانی در این سفر، بس خواندنی و آگاهی‌بخش می‌نماید. او ضمن تفکیک مردم کردستان با حزب موسوم به دموکرات، قائل به رسیدگی دولت به پدنه جامعه کرد و ایستادگی در برابر موج‌سورای دموکرات‌ها بود. خوانش این موضوع پس از ۴۴سال که اعضای این حزب با پشتوانه خارق‌چی، هنوز در خواب تجزیه‌طلبی و خودمختاری به سر می‌برند، به هنگام و سودمند به نظر می‌آید. مقال پی آمده با همیس هدف به نگارش در آمده است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عمووم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **گزارشی در باب شکل‌گیری یک تجربه، در باب کردستان و تجزیه‌طلبی حزب دموکرات**
در آغاز مقال مناسب می‌نماید که مخلصی از ماجرای درگیری در کردستان و آغاز و انجام آن را به مرور بنشینیم. این منطقه از کشورمان، در عداد نخستین مناطقی بود که تجزیه‌طلبان بدان طمع کردند و آن را عرصه تاخت‌وتاز خود قرار دادند. با این همه آنان به رغم آنکه از این اقدامات پدبایی طرفی نیستند، اما تا هم اینک و پس از سیری گشتن ۴۴ سال، همچنان با حمایت خارجی، سودای تجزیه و خودمختاری را در سر می‌پرورند. محمدرضا کاشانی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این‌باره می‌نویسد: «همراه بر این باور بوده‌ام که براندازان سال ۱۴۰۱، به لحاظ رویکرد، دستاویزگرنی، خلاقیت و حتی درک سیاسی، حتی نتوانسته‌اند یک گام از براندازان ۱۳۵۸ فراتر نهند! سوزه‌ها و مستمسک‌های ایشان، عموماً تکراری، آزمون شده و البته به در بسته خورده می‌نماید. تنها بس‌این تفاوت که این‌بار، پول و رسانه‌های نوین آنها را در بوق کرده‌اند. نمونه‌اش موضوع «کردستان» که خودمختاری خواهی در آن، از آغازین تحکرات شدانقلاب بود. با این همه به محض برآمدن این نغمه شوم، در آغاز فروردین ۵۸، آیت‌الله سیدمحمود طالقانی اعلام کرد که برای گفت‌وگو با مردم کرد به سنندج خواهد رفت. رفسنجانی و ابوالحسن بنی‌صدر نیز از شورایی انقلاب، او را همراهی کردند. از اولین نتایجی که این هیئت آن را اعلام کرد، بی‌میلی پدنه کردستان به خودمختاری از ایران و انحصار این بیماری، به برخی جریانات سیاسی از قبیل حزب دموکرات است که از زبان کرد‌ها سخن می‌گویند. طالقانی در این سفر، هر چه با پدنه کرد به مهر و دوستی بود با چهره‌هایی چون عزالدین حسینی با اخم و اُشتمَل، کار به جایی رسید که همز مان دولت موقت برای کمک به آرامش کردستان، ولو به اشتباه سپهبد محمدولی قرنی نئس دست مشترک را تنش را کنار گذاشت؛ در نهایت اغلب کرد‌ها رسماً گفتند به طالقانی اعتماد کامل دارند! اما این همه، جدایی‌طلبان را به وانهادن اغتشاش سوق نداد و آنان چندی بعد از پناه سر بر آوردند و دکتر مصطفی چمران، اصغر وصالی

سارویخ

گفت‌وگو ۸۸۹۸۴۲۷



فروردین ۱۳۵۸، سنندج، آیت‌الله طالقانی در حال گفت‌وگو با یکی از نخبگان کرد

آیت‌الله سیدمحمود طالقانی و حزب دموکرات کردستان، مروری بر یک تجربه تاریخی

دموکرات‌ها حوصله همه را سرآوردند باید جزای اعمال‌شان را بکشند

پارانش را در محاصره مرگ گرفتند که البته تنها با چند خط پیام امام خمینی تار و مار شدند! پس از چندی طالقانی در خطبه‌های نماز عیدفطر در شهریور ۵۸، دموکرات‌ها را به محاکمه گرفت که عده‌ای هستند تنها از دولت بوجه و امکانات می‌خواهند، اما پروای فرمانبری از آن را ندارند…

یک عده جوان احساساتی ۳۰ ساله تصور می‌کنند که قیم کرده‌ها هستند… کسانی که رهبر انقلاب را که سرا با دلسوزی برای مستضعغان است به خشم آوردند، جزای خود را بچشند… (نقل به مضمون) این خطبه متولیان استفاده ازبازی از نام طالقانی را می‌ملول و برافروخته ساخت تا جایی که بعدها کرد و سخنران را از مجموعه خطبه‌های او حذف کردند! می‌بینید که قصه کردستان آن هم با سیری گشتن ۴۴ سال تغییر چندانی نکرده است. دموکرات‌های جوان و احساسی آن روز، مستظهر به حمایت خارجی، همچنان بوق تجزیه و خودمختاری به دست دارند، در حالی که پدنه کرد تنها به دنبال حل

مسئله‌ها است! فروردین ۱۳۵۷، خیر در گیری شدید

مشتر شد. اخبار حکایت از آن داشت که در گیری در آغاز، بین دو کمپته شیعی و سنی مستقر در سنندج آغاز شده است و سپس به محله و محاصره پادگان از طرف مردم انجام‌دهنده و در نتیجه میان نیروهای مستقر در پادگان و مردم، نبرد مسلحانه‌ای در گرفته است. با اوج گیری در گیری‌ها، چند نفر از اعضای جمعیت هیتتایمقیم تهران، نزد آیت‌الله طالقانی رفته و از وی تقاضا کرده بودند تا ایشان را زیارت و به در گیری و جنگ پایان دهد. طالقانی صبح روز عید، در حالی که هزاران نفر مردم مشتاق در ورزشگاه آزادی حاضر شده بودند تا ایشان را زیارت کنند، همه ملاقات‌ها و برنامه‌های خود را لغو کرد و پس از یک ملاقات و مذاکره کوتاه با امام‌خمینی (ره) عازم سنندج شد. از طرف امام خمینی هم هییتی مرکب از آقایان شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد بهشتی، حجت‌الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی و ابوالحسن بنی‌صدر و احمد صدر حاج سید جوادی وی را همراهی کردند. آیت‌الله طالقانی پس از ورود به سنندج، هیئت حاضر شد و سخنرانی را با شورای موقت این شهر تشکیل داد. او با سران کرد دیدار کرد و با سخنرانی در جمع مردم شهر، خواستار تشکیل شورای شهر سنندج با انتخاب مردم شد. پس از مذاکرات طولانی بسا گروه‌های مختلف، طالقانی به این نتیجه رسید که تنها راه برای جلوگیری از سوءاستفاده هر یک از گروه‌ها برای به قدرت رسیدن، تشکیل شورای واقعی شهر سنندج است. در نهایت این شورا به رغم برخی کار شکنی‌ها، با درایت طالقانی تشکیل شد. پس از برقراری آرامش نسبی در سنندج، طالقانی پس از سه روز تلاش و کار خستگی‌ناپذیر برای جلوگیری از تفرقه و ایجاد آشوب از هیئت شهر تهران بازگشت، اما هنوز چند روزی از حل مسئله سنندج نگذشته بود که در گیری مشابهی در ترک‌من صحرا میان اهل سنت و شیعیان آن منطقه، ذهن همه را به خود مشغول ساخت. این بار نیز همه نظر‌ها به سوی طالقانی متوجه شد و همه می‌دانستند که با حضور ایشان، شرایط ترک‌من صحرا نیز همچون سنندج آرام خواهد شد، لذا از وی تقاضا شد به ترک‌من صحرا سفر کند. طالقانی که به علت ضعیف مسائل از جمله کپولت سنن و ضعف جسمانی دیگر قادر به مسافرت به ترک‌من صحرا

از سفر آیت‌الله طالقانی به

کردستان، حدود پنج ماه سیری گشت، اما شرارت حزب دموکرات فرو ننشست. آنان در نقاط گوناگون این خطه و با آلت دست قراردادن برخی مردم محروم و جوانان ماجراجو، همچنان به اغتشاشات و درگیری‌ها دامن می‌زدند. رسیدن این اخبار به تهران، در مواجهه با جدایی‌طلبان دموکرات، افق جدیدی را در برابر طالقانی – که هم اینک امام‌جمعه تهران بود- قرار داد. وی در خطبه‌های نماز عید فطر در شهریور ۵۸، اغماض همیشگی خویش را به کناری نهاد و بسه صراحت در باب عوامل اصلی آشوب و ناامنی در کردستان به افشاگری پرداخت:

«متأسفانه در اواخر ایسن ماه پربرکت، ماه مبارک، ماه روزه، ماه تقوی، ماه توجه به خدا، ماه همبستگی قلوب و وجدان‌های مسلمان‌ها، یک عده مردم جانی این برکت را این خبر را آلوده کردند. مردمی که در انجمام جنایت از هیچ کاری فروگذار نکردند. تازه اسم خودشان را هم دموکرات می‌گذارند. دموکراتی که مردم را به گلوله ببندد، مردم مظلوم، مردم بیچاره، مردم بی‌طرف، پاسدار‌ها، جوان‌های پاسدار، بیچاره‌ها،‌های خاک بر سرشان. چقدر این نام همیشه برای این کشور، (نام دموکرات) خاطرات بدی داشته است. بعد از جنگ بین‌المللی دوم، ۱۳۲۰ دیدید که دموکرات‌هسای آذربایجان قوی شد، رفت آن طرف، آنها فرار کردند، اینها را دادند دم چک. امروز همان چهره‌ها هستند به اسم دموکرات، یک عده بیچاره، یک عده مستضعف با شعار‌های فریبنده اینها را جمع کردند. اگر یک مقدار فشار زیاد شد، همان طوری که حالا هست، سران فرار می‌کنند. دست دوم، دست سوم را آن وقت دم چکند، چه مکتبی دارند؟ چه می‌گویند؟ چه می‌خواهند؟ مگر بار‌ها اعلام نشده که شما برادر‌های کرد هر پیشنهادی دارید، هر مسئله‌ای دارید، بیاید مطرح کنید. رسیدگی بشود. به قدری که در امکان هست برای شما انجام خواهد شد. دیگر چه می‌خواهند؟! اینها مگر تجزیه‌کنند کردستان را می‌خواهند؟ در دامن چه کسی می‌خواهند قرار بگیرند بهتر از دامن اسلام و رهبر‌های اسلامی و مردم مسلمان که همچو اندیشه‌ای دارند؟ من به یقین می‌دانم در مردم کردستان، در توده مردم چنین چیزی نیست که بار‌ها اعلام کردند. جز خودخواهی، جز جاه‌طلبی، جز بلندپروازی، مثل همه حزب‌بازی‌های عده‌ای جمع شدند، شماری بدبند و کلاه دیگران پس معر که باشد. من نمی‌فهمم، آخر باید ما پیش از اینکه ارتش دخالت بکند، از برادران کردمان انتظار داشتیم که خود آنها این آتش را خاموش بکنند، چرا انچه‌ای برادران مسلمان، ای خواهران مسلمان کرده، ای کسانی که می‌دانید دل من برای شما می‌تپد و ما همه مردم برای شما و محرومیت‌های شما و فشارهایی که بر شما وارد شده، همه دلسوز هستند. چرا باید آلت دست یک مشت خودخواه، خودپرست، یک همچو فاجعه‌ای، اینطور چهره مردم کرد، مردم بزرگوار، مردم سالم، مردم مردار! اینطور باید آلوده بشود؟ خدا لعنت‌شان کند اینهایی که

فتنه‌ها را ایجاد می‌کنند. در این روز عید ۱۰۰ بار بر آنها لعنت! از درگاه خدا و خلق، دور باش بر همه اینها. چقدر ما سعی کردیم، کوشیدیم با مذاکره، با مهربانی، دور هم نشستیم مسائل را حل کنیم، چه این جوجه کمونیست‌های داخل خودمان چه آنها یک مشت جوان احساساتی ۳۰ ساله خیالی می‌کنند قیم همه مردمند. قیم همه نژاد شده، همه دارند ز‌های ما احتیاج به قیم ندارند. زن‌هاحقشان پامال شده، مگر خودشان نمی‌توانند حرف بزنند؟ جوان‌های مسلمان ما هستند که توان آفتاب و با این زبان روزه، در میان این مزاج دارند، کار می‌کنند. آنجا نشستند فقط به شعار دادن؟ این شد مسئله؟ من داشتم خودم را برای دفاع از اینها فدیه می‌کردم. حتی در مقابل بعضی از تنگ‌نظر‌ها، اندک‌بین‌ها مرا متهم می‌کردند. حتی خود رهبر به من فرمود: شما چرا مسامحه می‌کنید درباره اینها؟ گفتم آقا اینها شاید به نصیحت، بسه موعظه، تغییر اوضاع، تغییر شرایط، جذب بشوند به عامه مردم و دیگر موعظه‌ها همه را اسرآوردند. این رهبری را که سرا با دلسوزی نسبت به مستضعغان و محرومان است، ببینید چطور به خشم آوردند؟ با کار‌هایی که کردند، دیگر در مردم جاندارند.

بروند فکر دیگری بکنند…».

آیت‌الله در پایان این خطبه نیز، مثنی رحمانی و طوفت محور خویش را و نمی‌نهد و توصیه امام خمینی مبنی بر منحصر بودن مجازات، به کسانی که در کردستان مرتکب جرایم بزرگ شده‌اند، را تکرار می‌کند:

«من به همه برادرانم، به برادران ارتشی، پاسدار و کسانی که در طرف کردستان اعزام شدند، همین توصیه‌ای که دیشب امام فرمود، این رهبر با بینش و عیالقدر مسا همین توصیه را ما هم باید بکنیم، فقط کسانی که متعرض جان و ناموس و حیثیت مردم شدند، اینها باید معدوم بشوند. اما آنها که فریب خورده‌اند، رحمت خدا همانطور که علی فرمود، بالای سر آنهاست و ما مسلمان‌ها و همه مسلمان‌ها هم از آنها خواهیم گذشت…».

د

د

این سوء تفاهم‌ها را از میان خود بردارند…»
■ **من داشتم خودم را برای دفاع از اینها فدیه می‌کردم**

از سفر آیت‌الله طالقانی به کردستان، حدود پنج ماه سیری گشت، اما شرارت حزب دموکرات فرو ننشست. آنان در نقاط گوناگون این خطه و با آلت دست قراردادن برخی مردم محروم و جوانان ماجراجو، همچنان به اغتشاشات و درگیری‌ها دامن می‌زدند. رسیدن این اخبار به تهران، در مواجهه با جدایی‌طلبان دموکرات، افق جدیدی را در برابر طالقانی – که هم اینک امام‌جمعه تهران بود- قرار داد. وی در خطبه‌های نماز عید فطر در شهریور ۵۸، اغماض همیشگی خویش را به کناری نهاد و بسه صراحت در باب عوامل اصلی آشوب و ناامنی در کردستان به افشاگری پرداخت:

«متأسفانه در اواخر ایسن ماه پربرکت، ماه مبارک، ماه روزه، ماه تقوی، ماه توجه به خدا، ماه همبستگی قلوب و وجدان‌های مسلمان‌ها، یک عده مردم جانی این برکت را این خبر را آلوده کردند. مردمی که در انجمام جنایت از هیچ کاری فروگذار نکردند. تازه اسم خودشان را هم دموکرات می‌گذارند. دموکراتی که مردم را به گلوله ببندد، مردم مظلوم، مردم بیچاره، مردم بی‌طرف، پاسدار‌ها، جوان‌های پاسدار، بیچاره‌ها،‌های خاک بر سرشان. چقدر این نام همیشه برای این کشور، (نام دموکرات) خاطرات بدی داشته است. بعد از جنگ بین‌المللی دوم، ۱۳۲۰ دیدید که دموکرات‌هسای آذربایجان قوی شد، رفت آن طرف، آنها فرار کردند، اینها را دادند دم چک. امروز همان چهره‌ها هستند به اسم دموکرات، یک عده بیچاره، یک عده مستضعف با شعار‌های فریبنده اینها را جمع کردند. اگر یک مقدار فشار زیاد شد، همان طوری که حالا هست، سران فرار می‌کنند. دست دوم، دست سوم را آن وقت دم چکند، چه مکتبی دارند؟ چه می‌گویند؟ چه می‌خواهند؟ مگر بار‌ها اعلام نشده که شما برادر‌های کرد هر پیشنهادی دارید، هر مسئله‌ای دارید، بیاید مطرح کنید. رسیدگی بشود. به قدری که در امکان هست برای شما انجام خواهد شد. دیگر چه می‌خواهند؟! اینها مگر تجزیه‌کنند کردستان را می‌خواهند؟ در دامن چه کسی می‌خواهند قرار بگیرند بهتر از دامن اسلام و رهبر‌های اسلامی و مردم مسلمان که همچو اندیشه‌ای دارند؟ من به یقین می‌دانم در مردم کردستان، در توده مردم چنین چیزی نیست که بار‌ها اعلام کردند. جز خودخواهی، جز جاه‌طلبی، جز بلندپروازی، مثل همه حزب‌بازی‌های عده‌ای جمع شدند، شماری بدبند و کلاه دیگران پس معر که باشد. من نمی‌فهمم، آخر باید ما پیش از اینکه ارتش دخالت بکند، از برادران کردمان انتظار داشتیم که خود آنها این آتش را خاموش بکنند، چرا انچه‌ای برادران مسلمان، ای خواهران مسلمان کرده، ای کسانی که می‌دانید دل من برای شما می‌تپد و ما همه مردم برای شما و محرومیت‌های شما و فشارهایی که بر شما وارد شده، همه دلسوز هستند. چرا باید آلت دست یک مشت خودخواه، خودپرست، یک همچو فاجعه‌ای، اینطور چهره مردم کرد، مردم بزرگوار، مردم سالم، مردم مردار! اینطور باید آلوده بشود؟ خدا لعنت‌شان کند اینهایی که

فتنه‌ها را ایجاد می‌کنند. در این روز عید ۱۰۰ بار بر آنها لعنت! از درگاه خدا و خلق، دور باش بر همه اینها. چقدر ما سعی کردیم، کوشیدیم با مذاکره، با مهربانی، دور هم نشستیم مسائل را حل کنیم، چه این جوجه کمونیست‌های داخل خودمان چه آنها یک مشت جوان احساساتی ۳۰ ساله خیالی می‌کنند قیم همه مردمند. قیم همه نژاد شده، همه دارند ز‌های ما احتیاج به قیم ندارند. زن‌هاحقشان پامال شده، مگر خودشان نمی‌توانند حرف بزنند؟ جوان‌های مسلمان ما هستند که توان آفتاب و با این زبان روزه، در میان این مزاج دارند، کار می‌کنند. آنجا نشستند فقط به شعار دادن؟ این شد مسئله؟ من داشتم خودم را برای دفاع از اینها فدیه می‌کردم. حتی در مقابل بعضی از تنگ‌نظر‌ها، اندک‌بین‌ها مرا متهم می‌کردند. حتی خود رهبر به من فرمود: شما چرا مسامحه می‌کنید درباره اینها؟ گفتم آقا اینها شاید به نصیحت، بسه موعظه، تغییر اوضاع، تغییر شرایط، جذب بشوند به عامه مردم و دیگر موعظه‌ها همه را اسرآوردند. این رهبری را که سرا با دلسوزی نسبت به مستضعغان و محرومان است، ببینید چطور به خشم آوردند؟ با کار‌هایی که کردند، دیگر در مردم جاندارند.

بروند فکر دیگری بکنند…».

آیت‌الله در پایان این خطبه نیز، مثنی رحمانی و طوفت محور خویش را و نمی‌نهد و توصیه امام خمینی مبنی بر منحصر بودن مجازات، به کسانی که در کردستان مرتکب جرایم بزرگ شده‌اند، را تکرار می‌کند:

«من به همه برادرانم، به برادران ارتشی، پاسدار و کسانی که در طرف کردستان اعزام شدند، همین توصیه‌ای که دیشب امام فرمود، این رهبر با بینش و عیالقدر مسا همین توصیه را ما هم باید بکنیم، فقط کسانی که متعرض جان و ناموس و حیثیت مردم شدند، اینها باید معدوم بشوند. اما آنها که فریب خورده‌اند، رحمت خدا همانطور که علی فرمود، بالای سر آنهاست و ما مسلمان‌ها و همه مسلمان‌ها هم از آنها خواهیم گذشت…».